

وقتی که دین، سوژه‌ای برای خنده می‌شود

17 بهمن 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

در سرزمینی که لطیفه، تمسخر و طنزهای قومی، نقل هر محفلی بوده و هست، باید انتظار می‌رفت که شوخی با دین هم سر از پرده‌های نهان، بیرون بکشد. چند سالی‌ست که شوخی با بنیان‌های دینی و شخصیت‌های مذهبی برجسته، نسبت به گذشته، شکل بسیار گسترده‌تری به‌خود گرفته‌است.

چند سال پیش، کاریکاتور یک کارتونیست دانمارکی از پیامبر اسلام، آشوبی به‌پا کرد. این روند هر از گاهی تکرار شد و حرف و حدیث‌های بسیاری به همراه داشت. گروهی موافق بودند و گروهی مخالف. موافق‌ها، بر اصل آزادی بیان پافشاری می‌کردند و مخالف‌ها بر اصل احترام به باورهای مذهبی. چندی پیش، راه‌اندازی یک صفحه در فیس‌بوک تحت عنوان «کمپین یادآوری امام نقی به شیعیان»، بلوایی به‌پا کرد، هر چند که به تازگی، از تب و تاب آن کم شده‌است. این صفحه در حال حاضر نزدیک به 13,700 عضو دارد و عموماً، فعالان این صفحه، با نام‌های مستعار به نشر طنزهایی پیرامون دهمین امام شیعیان و بن‌مایه‌ها و روایت‌های مذهبی دین اسلام می‌پردازند.

دست‌اندرکاران این صفحه، باور خود را این‌گونه بیان می‌کنند:

«این صفحه به مبارزه با خرافه‌پرستی در ایران اختصاص دارد. اگر شما شیعه‌ی متعصب هستید، ممکن است مطالب این صفحه شما را آزار دهد.»

گذشته از یادداشتی که پیرامون این صفحه می‌بینیم و مختصری از آن ذکر شد، در پایان، شعاری هم به‌چشم می‌خورد که گویا به عمل درآمده‌است. در معرفی کوتاهی در پایین توضیحات، این جمله‌ی جدی به‌چشم می‌خورد:

«هیچ چیز و هیچ‌کس آن‌قدر مقدس نیست که نتوان آن را به طنز کشید.»

این یک شعار و سرفصل جدید نیست، هر چند به نظر می‌رسد در ایران، پدیده‌ای نوظهور است. اگر این پدیده را یک «تابوشکنی» محسوب کنیم، بی‌شک امری نیست که در یک روز متولد شده باشد و مسلماً، ادامه‌ی جریان‌ست که پیش‌تر، به شکل‌های گوناگون وجود داشته‌است.

از بن‌شناسی ظهور این قبیل پدیده‌ها که بگذریم، سوال در این‌جاست که آیا شوخی با ادیان که نقد به‌روش طنز را پیش می‌گیرد، کار درستی‌ست یا نه؟ و آیا به‌راستی هدف از این نوع طنز، نقد است یا فقط به خنده انداختن مخاطب؟

مسلماً به‌دلیل وجود سلیقه‌های گوناگون در سطح جامعه، شاید نتوان به یک جواب قاطع در این زمینه دست یافت که آیا شوخی و نقد دین از طریق طنز، امری مجاز است یا نه، اما می‌توان این پدیده را، در بستری مناسب، مورد بررسی بیشتر قرار داد و راهکاری برای آن اندیشید.

مخالف‌های این نوع طنز که آن‌را به هر شکل و گونه‌ای رد می‌کنند، عموماً افراد مذهبی هستند که امری قابل قبول است. هیچ فرد مذهبی، از این‌که بزرگان دین‌اش مورد تمسخر و انتقاد قرار گیرند، شاد نمی‌شود، اما در مقابل، موافق‌ها بر این باورند که در حقیقت، این طنز، فقط برای خنده نیست، بلکه برای نقد دین است. نقد دین، از روشی که امروزه در جهان، آن‌چنان غیرمعمول نیست.

یکی از دلایل مخالفان این پدیده برای ابراز مخالفت‌شان این است که به‌طور مثال، چرا در غرب که کاریکاتورهای از پیامبر اسلام را می‌کشند، کسی نمی‌تواند در مورد نژادپرستی و یا حتا در مورد واقعه «هولوکاست»، کاریکاتور بکشد؟ اگر آزادی بیان، نباید هیچ محدودیتی داشته باشد، پس می‌توان با همه چیز شوخی کرد، حتا «هولوکاست».

در مقابل، موافق‌های این پدیده، قرار دادن دین در دایره‌ی طنز را امری می‌دانند که باید در دنیای امروز مطرح شود، به‌همان دلیل مذکور که هیچ‌چیز آن‌قدر مقدس نیست که نتوان آن‌را به طنز کشید.

حال اگر بپذیریم که وارد کردن دین به ورطه‌ی طنز، مجاز است، پرسش سخت‌تری مطرح می‌شود که پس «مرز این پدیده باید تا کجا باشد؟» این پرسش و معمای‌ست که هنوز به نتیجه‌ی قطعی و کامل نرسیده و البته نمی‌توان انتظار داشت یک شبه برای آن راه حلی پیدا شود.

در کشورهای غربی، علاوه بر کارتون‌هایی از پیامبرانی نظیر «نوح» و «عیسی»، حتی کاریکاتورهای از «خدا» هم منتشر می‌شود و عموماً، اعتراض گسترده‌ای در پی ندارد. در این میان، مسلمان‌ها در سراسر جهان، نسبت به این نوع رفتارها، واکنش‌های سریع و تندی نشان می‌دهند که گاه به خشونت کشیده می‌شود. البته این امر فقط به مسلمان‌ها معطوف نیست و هستند پیروان دیگر ادیان هم، که نسبت به وارد شدن دین و باورش‌شان به ورطه‌ی طنز، واکنش نشان می‌دهند.

در ایران، نظام حاکم بر کشور، هیچ‌گونه عملی که مبنی بر شوخی با دین اسلام باشد را نپذیرفته و با شدت با آن برخورد می‌کند. سال‌هاست که در ایران، کشیدن کارتون اشخاص روحانی ممنوع است، هرچند تعدادی از روحانی‌های اسلامی که در دستگاه حکومتی هم بودند، اجازه دادند که کاریکاتور آنها کشیده و منتشر شود.

از سوی دیگر، گاه می‌بینیم که همین حکومت مذهبی سفت و سخت در ایران، گاه بنیان‌های دین اسلام را چنان بیان می‌کند که به طنز شبیه می‌شود. گاه، معجزه‌هایی که آن را به پیامبر اسلام و یا امامان شیعه منسوب می‌کنند، به قدری اغراق‌آمیز است که به خنده‌ی مخاطب می‌انجامد. و یا روایت‌هایی که به مخالفان امامان شیعه منسوب می‌کنند، گاه به قدری غیر واقعی‌ست که به لطیفه می‌ماند. در کشوری که کشیدن کاریکاتور یک روحانی ممنوع است، چندی پیش در آستانه‌ی پیروزی انقلاب و به مناسبت سالگرد ورود «آیت‌اله خمینی» به ایران که او را بزرگ‌ترین فرد مذهبی در ایران قلمداد می‌کنند و لقب «امام» به او داده بودند، برای گرامیداشت این شخص، ماکتی مقوایی از وی را به نمایش گذاشتند که اگر از سوی هر ارگان و شخص مستقل دیگری سر می‌زد، به عنوان یک تمسخر برداشت و با آن برخوردی شدید می‌شد. پس پرسشی نیز مطرح می‌شود که به راستی، مرز بین طنز، تمسخر، شوخی و جدی را، چه چیز مشخص می‌کند؟

به نظر می‌رسد که اگر این پدیده را یک معزل ارزیابی کنیم، مسلماً با اعمال خشونت و یا افراط از سوی هر دو جناح مخالف و موافق آن، به نتیجه‌ای مطلوب نخواهد رسید.

در هر حال، شوخی با دین، به ویژه در ایران که سرزمینی با اکثریت مسلمان شیعه است و حکومتی دارد که بر اساس دین اداره می‌شود، همیشه هم با خنده همراه نیست.
